

نمره دوم

دهم جنواری ۱۹۱۸

در باب مراجعت قشو نروس

مدتی است که مشغول فروختن ااثالبیت و اموال غارت شده ترکمانها بوده دسته دسته... ۲۸ که پراخوت وارد می شود، عده ای از قشون حرکت کرده می روند. در صورتیکه حکم شده است عموماً به روسیه عزیمت نمایند. بازهم چهار عراده توپ بایک عده توپچی توقف دارند. لکن شهر را به کلی تخلیه کرده دیوانخانه را که محل اقامت حکام بود بی اندازه خرابی [رسانیده] و خسارت به دولت وارد نموده، سی هزار تومان خسارت و تعمیرات عمارات دولت است که آباد نمایند.

در باب مالیات قریه کردمحل

سه سال است اهالی قریه کردمحل برای خوردن مالیات دولت [دو] فرقه گردیده، نصف معیت مسعود السلطان، نصف به ضدیت مشارالیه، حاج فخرالملک حکمران چند نفر سوار به اتفاق رضاقلی خان به کردمحل فرستاده مالیات را جمع آوری نمایند. اشخاصی که بامسعود السلطان همراهی دارند جلوگیری کرده سوارهای حکومتی را چوب زده دوقبضه تفنگ سوار را گرفته از قریه بیرون کردند.

در باب اغتشاش

از شدت گرانی و ضیق معیشت رعیت سدن رستاق و استرابادرستاق از گرسنگی علف با تخم پنبه مخلوط [کرده] و جوشانیده می خورند. به قرب پنج هزار نفر رعیت از بلوک سدن رستاق و انزان باهم اتفاق کرده سه عریضه به حکومت و کمیته های شهری نوشته در صورتیکه ارباب ملک شالی انبار کرده است و رعیت هم گرسنه می باشد، به قیمت سابقه به رعیت بفروشند، والا بلوا نموده هرجائی که انبار اربابی و برای احتکار باشد به غارت می بریم. هشتم ماه جنواری حکومت جواب عریضه را نوشته است. چند روزی صبر نمایید

باربابان ملك مذاکره نموده برای آسودگی شماها قراری فوری داده خواهد شد. تا چه شود.

درباب قتل

شب نهم ماه مذکور دونفر ترکمان اتابائی به قریه کماسی يك فرسخی مشرقی دزدی می‌روند. صاحب‌خانه مخبر شده سارقین را تیر می‌زند، یکی مقتول و دیگری مجروح شده مشرف به موت است.

درباب بربریها

عده کثیری از بربری که سابقاً در دهات روسیه مسکن داشته حال برای نداشتن آذوقه و سختی معاش جمعی به استرآباد آمده‌اند، لکن تماماً مردمان باقماعت و زحمتکش و کارکن [اند] و علم فلاحت را هم خوب می‌دانند.

نمره ۳

۱۹۱۸

درباب قتل

یازدهم ماه جنواری دونفر قزاق از راه قراسو به روسیه می‌رفتند. چون قشون روس دو فرقه شده بودند دوفرسخی شمالی قزاق رفیق خود را به قتل رسانیده، اسب و تفنگ او را گرفته از صحرا به سمت عشق‌آباد می‌رود. برای تحقیقات از طرف خود و حکومت و کارگذاری امر نموده نماینده بروند تحقیق نمایند. بعد از تحقیقات معلوم شد مرتکب خودشان بوده اظهاری نکردند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه قراداغلی دوبلوک گوسفند از کردستان چپاول کرده وارد کرده‌اند.

درباب بربریها

این اشخاص از بیست‌سال تاکنون به تدریج در بخارا و سمرقند رفته فلاحت می‌کردند و تبعیت روس را هم قبول نکرده بودند. زیطون نام کلیمی برای آبادی شیرنگ و اراضی اطراف که مقداری باغه نام مسیحی از تراکمه خریداری کرده و تمام اراضی متعلق به دولت بوده زیطون نام هم از شیخ محمدباقر فاضل قطعاتی را خریده بود رعیت نداشته، بربریهای مذکور رادعوت به استرآباد می‌نماید. چهارصد خانوار بازن و بچه و

علاقه‌جات خود حرکت نموده از راه دریا وارد بندر جز می‌شوند. علت دیگر هم عرض شده بود برای ضیق^{۲۹} معیشت در خاک روسیه باعث جلای وطن ایشان گردیده نفوس کلیه آنها نهصد خانوار می‌باشند. چهارصد خانوار از عشق‌آباد به سمت قوچان و بجنورد رفته، پانصد خانوار به استرآباد که یکصد و بیست خانوار برای معیشت زیطون کلیمی به شیرنگ شش فرسخی مشرقی رفته، باقی هم در شهر و اطراف متفرق گردیده. لکن به موجب راپرت کارگذاری استرآباد به وزارت خارجه و داخله جواب رسیده است بربری رعیت روس [را] به اوطان خود بفرستید که باعث قحط و غلامی می‌شوند.

درباب روسها

۱۴ ماه مذکور خبر رسید هفت نفر از ژنرالهای روسی که مفتش اراضی و جنگلهای ایران می‌باشند از خاک حسینقلی و چکش سرحد روس آنچه تپه و بلندی بود اسامی آنها را نوشته يك چوب نصب کرده الی خط رود گرگان و تپه‌های دهات اطراف شهر را تماماً علامت گذارده می‌روند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب پانزدهم جنواری سه نفر دزد يك رأس اسب حکومت را از دیوانخانه سرقت کرده می‌برند. حاج فخرالملک سرقت اسب را از ناحیه محمدباقرخان سردار رفیع دانسته کدورتی سخت باهم دارند.

درباب چپاول

هفدهم ماه مذکور خبر رسید تراکمه دویچی يك بلوک گوسفند و يك بلوک گاو از فندرسک چپاول کرده بردند.

درباب نزاع

طایفه اتابائی و جعفربائی برای چپاول روسها دلتنگ بودند. به این جهت جعفربائی خود اوایل جنگ‌تقلب با سایر ایلات کرده خود را بیطرف نموده اگرچه از هر طایفه چند نفر به سایر ایلات ملحق بودند مخفی بوده، تمام خسارات به طایفه اتابائی و ایلغی و داز و غیره و غیره الی گنبد قابوس که طایفه قجق و قان یخمز باشند وارد شده است به سبب پریشانی هم‌شب مواشی تراکمه جعفربائی را سرقت می‌نمایند. شب نوزدهم ماه مذکور تراکمه چاروای اتابائی با جعفربائی برای سرقت شتر تصادف نموده نزاع سختی می‌نمایند. هشت نفر از تراکمه جعفربائی مقتول و چند نفر اتابائی مجروح گردیده برگشتند.

درباب دامغان و گرفتن قاتل امیر اعظم

بیستم ماه جنواری خبر رسید دویست و پنجاه نفر ژاندارم سواره وارد به دامغان

می‌شوند. اسمعیل‌خان صولت لشکر قاتل امیراعظم را دوستانه می‌خواهند، به‌اتفاق ارازوردی ترکمان نزد صاحب‌منصب ژاندارم رفته مهربانی و محبت و اطمینان کامل به‌ایشان می‌دهند. چند نفر دزدی را مجازات کرده، یکصد و پنجاه نفر بدست شاهرود حرکت می‌نمایند. دامغان خیلی منظم است.

نمره ۴۵

سلخ جنواری ۱۹۱۸

درباب چپاول

بیست و دویم ماه جنواری خبر رسید تراکمه فحجق سیدرأس گاو از سعدآباد فندرسک هشت فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.

درباب غارت

بیست و سیم ماه مذکور یک نفر سید هزار جریبی از مازندران عازم استرآباد بوده یکصد تومان وجه همراه داشته، تراکمه جعفر بای دوفرسخی مغربی بسخو داشته سید را لخت کرده وجه را باسید گرفته به صحرا بردند.

درباب قتل ترکمان ایلغی

روز مذکور چند نفر تراکمه ایلغی به‌عنوان دادوستد به شهر می‌آمدند. دو بیست قدم فاصله به دروازه شهر پنج نفر رعیت سردار رفیع برای آشوب کردن و انقلاب ولایت وضدیت با حاج فخرالملک یک نفر ترکمان ایلغی را تفنگ زده، گلوله از شانه آن گرفته ازدهنش بیرون رفت. او را به شهر آوردند یک شب در شهر مانده ترکمان زخمی را مشرف به موت بود به صحرا بردند. از طرف حکومت ده نفر سوار پیرمردان قرای اطراف را به شهر حاضر کرده آنچه تفحص کردند اثری نیافتند.

درباب چپاول

بیست و چهارم ماه جنواری خبر رسید تراکمه قراداغلی که از سرحد کردستان به طایفه دویچی ساکن شده‌اند اولاً به تحریک روسها می‌باشد. کموسر روس از گنبد قابوس به آنها دستور العمل می‌دهد. ثانیاً چون امساله برای تنگی معاش و خشکی مراتع سملقان که جزو کردستان است بیست هزار گوسفند شاهکوهی به طایفه داز هفت فرسخی مغربی برای تعریف آمده‌اند، چهارصد خانوار تراکمه یاغی از چاروای انقلابائی و آق‌به‌سرداری بیگ نظر خان پسر موسی‌خان که جزو طایفه قرچی محسوب می‌شوند در سنگر سواد زیرحد رود گرگان اطراق نموده دوهزار ونهصد رأس گوسفند و میش شاهکوهی را از

طایفه داز چپاول کرده بردند و این گوسفند مابین سیصد و پنجاه نفر پیاده قرقچی تقسیم شده است.

درباب روسها

به عرض رفته بود چهار عراده توپ با صد نفر توپچی در استرآباد توقفدارند. بیست و ششم ماه مذکور عموم توپچی‌ها و سالداده‌ها با لوازمات و قورخانه و توپها حرکت به سمت روسیه نمودند. اردوی بیرون شهر را بکلی تخلیه کرده دیوانخانه و باغ عباس‌خانی [را] هم خالی [کرده]، حتی چند قزاق مستخدم قونسلخانه هم رفتند. فقط پانزده نفر سالداد با رئیس قشون روسی که در قونسلخانه منزل دارند ایشان هم عمأقرب خواهند رفت.

درباب اطلاع یموت به سردار رفیع

مشارالیه دوسال در این «رولوسیون»^{۴۰} روسها به استرآباد حاکم بوده برای جلب منافع حکومتی سال قبل که روسها تراکمه‌را چاپیده بودند سردار رفیع وقت راغنیمت شمرده و اعلان کرد هر کس از اهالی شهر و دهات تفنگهای خود را در قونسلخانه آورده توقیف باشد اهالی شهر و رعیت استرآبادی از ترس روسها به قرب هشتصد قبضه تفنگ ورندل بلند قد و کوتاه قد یا «مکنز» و غیره به توسط گماشته سردار رفیع تسلیم کرده به قونسلخانه می‌فرستند. به وزارت داخله سردار رفیع راپرت داده چهارصد قبضه تفنگ دولت را جمع نموده ضبط^{۴۱} کردم، مابقی تفنگ را چندی گذشت مبلغی از صاحبان تفنگ پول گرفته مسترد نمودند. در حکومت حاج فخرالملک برای اخذ تفنگها وزارت جنگ حکم به لواءالدوله رئیس قشون می‌نماید به موجب راپرت سردار رفیع چهارصد قبضه تفنگ از سردار رفیع بگیریید. رئیس قشون مطالبه نموده است. سردار رفیع هشتاد قبضه تفنگ شکسته و مستعمل را تسلیم می‌نمایند. رئیس قشون وصول این عده تفنگ را به وزارت جنگ تلگراف می‌نماید. مجدداً تلگرافی رسیده به توسط آقای رئیس قشون استرآباد سردار رفیع فوراً سیصد قبضه تفنگ را تسلیم لواءالدوله نمایند. سردار رفیع چند روزی به طفره می‌گذراند. لذا رئیس قشون به موجب حکم وزارت جنگ مجبور شده يك عده چاتمه سرباز درب‌خانه سردار رفیع گذارده تفنگها را مسترد نمایند. چند نفر رؤسای دموکرات و صاحب‌منصبان استرآبادی در منزل سردار بوده به اتفاق سردار بیرون آمدند. سرباز نظامی جلوگیری از سردار کرده، سالار اشرف امر نموده سربازها را چوب مفصلی زده بیرون کردند. دوباره رئیس قشون پنجاه نفر سرباز فرستاده چهار نقطه اطراف منزل سردار قراول شدند. سردار رفیع چند نفر آدمهای خود را با اسلحه در کمیته ملی حاضر کره منزل نرفت. خوانین استرآباد توسط حکومت سه‌روزه مهلت گرفتند که سردار رفیع

۴۰- اصل: لورسیون.

۴۱- اصل: ضبت.

تفنگها را بدهد. رئیس قشون بر حسب تقاضای خوانین از حکومت قراول را برداشت. صبح بیست و هشتم در منزل آقامیرزا مهدی مجتهد رؤسای دموکرات با خوانین جمع شده توسط کارگذار و رئیس مالیه به حکومت پیغام دادند که شمارا نمی‌خواهیم. سرکرده‌ها و تجار به حمایت سردار رفیع طرفیت بادولت نموده سیصد نفر ایلجاری از دهات خبر کرده به شهر آمدند که حکومت را بالواءالدوله رئیس قشون از استرآباد بیرون نمایند. فرقه دموکراتی بر علیه همدیگر ازدحام کرده اظهار داشتند در صورتیکه سردار رفیع خائن دولت است چه حق دارد رؤسای استرآبادی از او حمایت نمایند. جلوگیری از حرکات وحشیانه خوانین کرده و احترامات حکومت را بارئیس قشون منظور کرده ایلجاری سردار رفیع مایوسانه برگشتند. عجالتاً اهالی تجار و خوانین مشغول اصلاح بین سردار و حاج فخرالملک و رئیس قشون می‌باشند.

درباب بربریا

به عرض رفته بود چهارصد خانوار بربری به سبب اغتشاش روسیه و یاغی بودن ترکمانهای بخارا و اهمه کرده تماماً از راه دریا به استرآباد آمده و عموماً خود را بیطرف می‌دانند. اکثر آنها به قریه شیرنگ ساکن شده، یک عده از بربریا در شهر توقف کرده و جمعی در اطراف شهر. تاجچه اقتضا کنند.

نمره ۵

۷ فروری ۱۹۱۸

درباب قاتل امیر اعظم

به عرض رسانیده بود ورود عده‌ای ژاندارم به دامغان قاتلان امیر اعظم مرحوم را به زبان خوش تردید آورده تسلیم بودند. بعد از چند روزی از طهران حکم شد قاتلین را تقاص نمایند. مغلول اسمعیل خان صولت لشکر را با ارازوردی و پدرش را به شاهرود آورده ایشان را به دار آویزان کرده تیرباران کردند.

درباب اوقاف

میرزا حبیب‌الله خان مدیر مدرسه به اتفاق شیخ محمود نامی از طرف وزارت معارف و اوقاف به مأموریت استرآباد وارد شده، غره ماه فروری دیوانخانه یک باب اطاقی را برای باستیل اداره مزبور فرش کرده چند نفر از مأمورین و سادات را برای مشورت انتخاب کرده هفته‌ای دو مرتبه در آنجا حاضر شده مذاکراتی بی‌ثمر می‌نمایند، من جمله اوقاف استرآباد و بلوک سه مقابل آن وقف، یک مقابل ملک و ابداً اهالی استرآباد و مجتهدین و خوانین و سرکرده‌ها به اداره کردن اوقاف استرآباد رضایت ندارند. تا

چه اقتضا کند.

درباب استرداد تفنگ

چند تلگراف متواتر برای لواءالدوله رئیس قشون رسیده است که تفنگها را فوراً به سردار رفیع بدهند. چون نسبت به سرباز دولت سردار توهین وارد آورده به همین زودی پانصد نفر ژاندارم به استرآباد فرستاده خواهد شد که شش هزار قبضه تفنگ سابق را از محمدباقرخان هزارجریبی مطالبه نمایند. به فوریت سیصد قبضه را وصول [کرده] و رسیدرا اطلاع دهید.

درباب چپاول

روز سیم ماه مذکور دو ساعت به غروب جمعی مکاری استرآباد از مازندران مراجعت نموده نیم فرسخی مغربی چند نفر سوار جعفربائی در جنب رودخانه انجیرآب بسخو داشته پنج رأس مال به انضمام بارهای قماش و ابریشم و پول نقد و دو نفر رعیت گلوگاهی را گرفته بردند. مکاری بعضی فراراً به شهر آمده فوراً چهار نفر ترکمان را که طایفه جعفربائی بوده با اسلحه توی بازار دستگیر کرده در خانه خود برده نگاه داشتند. تاجه اقتضا کند.

درباب حکم وزارت جنگ

پنجم ماه مذکور از طرف وزارت جنگ با وزیر داخله تلگرافی برای رئیس قشون رسیده است. لواءالدوله به موجب این تلگراف به سرکرده های استرآباد اخطار نماید که هشتصد نفر سوار استرآباد و چهارصد نفر سوار ترکمان که سابقاً در کتابچه دولت منظور ۲۲ بوده این چندساله برای انقلاب ایران منحل گردیده است، لهذا بر حسب امر اعلیحضرت ملوکانه احمدشاه سرکرده های استرآبادی هر یک سوارهای محلی خود را تهیه نموده خودرا در تحت اوامر دولت و ریاست قشون استرآباد بدانند.

درباب گرو کردن ترکمان قرقچی را

طایفه قرقچی و قراداغلی دو هزار و نهصد گوسفند شاهکوهی را تقسیم کرده، چون ضامن گوسفندها ساعدالسلطنه بودند لهذا روز هشتم ماه فرواری يك نفر از ترکمان قرقچی به شهر آمده به امر ساعدالسلطنه او را گرفته دیوانخانه حبس کردند. به توسط شیخ محمدباقر فاضل ترکمان را به منزل رئیس قشون برده توقیف کردند، شاید برای گوسفندان نتیجه بدهد اثری نبخشیده، ترکمانها گرو هستند.

درباب عزل حکومت

هفتم ماه مذکور سردار رفیع انتشار داده است حاج فخرالملک معزول، سردار

مقتدر کاشانی حکومت استرآباد است.

نمره ۶۵

۱۴ ماه فرواری ۱۹۱۸

ورود مالقانیها

هفتم ماه فرواری چهل نفر مالقانی از دریا بیرون آمده با اسب و مادیان و عرابه به شهر وارد [شده] پشت دروازه در اردو منزل نمودند. قونسول متوحش شده فوراً به حکومت اطلاع داده دوایر دولتی محافظت شهر می نمایند که این اشخاص از آشوب طلبان روسیه می باشند. زنجان (?) را هم آتش زهاند. قونسول هم از ترس با اجزاء خود به لباس قفقازی درآمدند. مالقانیها به قونسلخانه می روند. پاگنهای سردوشی صاحب منصبان را برداشته معلوم شد با ایشان خصومت سابقه در بین بوده، قونسول را از این مقدمه واهمه گرفته برای قراولی به توسط محمد غلام پاترده نفر تفنگچی از قریه نصرآباد آورده مبدا مالقانیهای آشوب طلب به قونسلخانه بریزند. در ضمن فرقه دموکرات در کمیته مشورت کرده رأی دادند قونسول روس چرا بی اجازه کارگذاری و حکومت رعیت نصرآباد را برای قراولی آورده است. به قونسول خبر دادند به توسط حکومت سی نفر سرباز برای قراولی و محافظت قونسول فرستادند. مالقانیها مالهای خود را فروخته با اسباب زیادی که داشتند فروخته، تفنگهای دولتی در قونسلخانه بوده گرفتند، باگاری از راه قراسو به روسیه رفتند.

درباب چپاول

هشتم ماه مذکور خبر رسید چهارصد نفر ترکمان پیاده و سواره از طایفه قرقچی به طایفه داز می روند. دوازده بلوک گوسفند کتولی را که دوهزار و ششصد رأس بوده چپاول کرده تراکمه داز که ساخلوی گوسفند است سرآفتاب جلو گیری از یاغیها می نمایند. سه ساعت نزاع گردیده چهار نفر چوپان کتولی مقتول، دوفنر از ترکمان به قتل رسیده، چند نفر طرفین مجروح و تراکمه یاغی گوسفند را هم می برند.

درباب کردمحل

دهم ماه فرواری خبر رسید در کردمحل نزاعی می شود، یک فرقه طرفدار مسعود السلطان، یک فرقه طرفدار رضاقلی خان کردمحل ای. جمعی به هم ریخته چوب زیادی می زنند. سر دست زیادی [از] طرفین شکسته شد. یک نفر را هم تیر گرفته مشغول معالجه می باشند.

درباب سرقت

به تحريك آقاهاشم بنی کریمی که از اعضای کمیته دموکرات است محرك بوده يك نفر بنگشی ۲۲ و يك نفر سيد از بستگان آقاهاشم هفت بار برنج از خانه بقالی سرقت می نمایند. رئیس نظمیہ سارقین را دستگیر کرده برنج را دفن کرده بودند. نصف را گرفته باقی تفریط شده.

درباب بلوای مردم برای حاج فخر الملك

خوانین با جمعی از تجار دموکرات با حاج فخر الملك ضدیت کرده او را معزول می نمایند. فرقه «ضد تشکیلی» بدمعیت حکمرانی تلگرافی به وزارت داخله می نمایند که حاج فخر الملك را به حکومت خواهانیم. دوازدهم ماه مذکور بعد از ظهر جمعی از تجار باخوانین و عده ای از علما تلگرافخانه رفته به عموم وزراء تلگرافاً شکایت می نمایند. به سبب عدم کفایت حاج فخر الملك تراکمه مشغول تاخت و تاز گردیده شب و روز بنای غارت و چپاول را گذارده حکومت را تغییر بدهید. لکن تحريك تراکمه با خود خوانین استرآباد است. برای خرابی برضد دموکرات تشکیلی ۲۴. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

شیخ محسن نامی چند جلد کتاب بایک عدد دیگ از منزل آقاشیخ طاهر مجتهد سرقت کرده، نظمیہ او را دستگیر کرده حبس است.

درباب سرقت

شیخ ابوالقاسم پسر شیخ حمزه مجتهد استرآبادی به سبب کشیدن تریاک در همسایگی خود پنج من آرد به سرقت می برد. او را به نظمیہ احضار [کرده] باکیسه آرد مسروقه و سرقت آرد را اعتراف داشته، به سبب احترام پدرش او را مرخص نمودند.

نمره ۷۰

۲۱ فروری ۱۹۱۸

درباب حکومت

به عرض رفته بود جمعی از تجار و خوانین برای اغتشاش یموتی که خود آنها محرك شده و کموسر روس هم تراکمه را اغوا به شرارت داشته از حکومت شکایت می نمایند. لواء الدوله رئیس قشون و يك عده از اهالی شهر برضد آنها تلگراف به وزارت داخله

۴۳- مسجد بنگشیا در گرگان هست.

۴۴- عبارت ناقص می نماید.

کرده ابقاء حکومت را می‌خواهند. تاکنون جوابی از وزارت داخله نرسیده. شهر خیلی هرج ۴۵ و مرج است.

درباب چوب خوردن صاحب منصب روس

شب شانزدهم فرواری لواءالدوله رئیس قشون دیوانخانه خدمت حاج فخرالملک بود. جمعی از ضد تشکیلی حامی حکومت ساعت پنج از شب به دیوانخانه رفته به اتفاق رئیس قشون مراجعت می‌نمایند. توی کوچه یک نفر صاحب منصب روسی به منزلش می‌رفت، براونیک دردست داشت، چوب زیادی به او می‌زنند و سرش به دیوار خورده مجروح شد. براونیک راز او گرفته، صبح زود از ترس به سمت قراسورفته قونسول دوستانه براونیک را از رئیس قشون خواسته مسترد نمودند.

درباب خسارات روسها به تراکمه

انقلابات روسها در استراباد و یموت اضافه از دو کرور تومان خسارات به اولیای دولت ایران را پرت داده شده، وزارت خارجه به قرب هزار ورقه بلیط چاپی برای حکومت و کارگذار فرستاده، خسارات روسها را هر یک از یموتی و استرابادی علیحده نوشته به امضای چند نفر به توسط کارگذار به طهران فرستاده شود.

درباب سرقت

شب ۱۷ ماه مذکور دزدطایفه اتابائی به شهر آمده سه رأس گاو و یک رأس یابو از خانه سادات کرمیها سرقت کرده بردند.

درباب غلامعلی خان... رئیس نظمیہ

خوانین و تجار استرابادی چون حکومت را قدغن کرده رسیدگی به امورات ولایتی نکنند لهذا رئیس نظمیہ را در تلگرافخانه احضار کرده عموماً به مشارالیه اطمینان می‌دهند که شما با کمال قدرت و جدیت هر کسی شرارت می‌کند او را گرفته مجازات نمائید. در باطن عقیده رؤسای دموکرات صدمه زدن به ضد تشکیلی بوده لکن رئیس نظمیہ از عقاید ایشان بی‌خبر بوده عباس نام نجار پاسروی شب هیجدهم فرواری مست با چند نفر اشار می‌روند در چادر جوکیها زنی را می‌کشند. فیوجها خبردار شده اشار فرار کردند. به رئیس نظمیہ خبر می‌دهند فوراً با چند نفر آژان و سرباز به خانه اشار می‌روند. عباس نجار را با دونفر دیگر دستگیر کرده به اداره نظمیہ برده فوراً سبیل و کاکل ۲۷ عباس را می‌برد. اهالی پای سروچند نفر پولیس را چوبزده تفنگ آنها را می‌گیرند. صبح

۴۵- اصل: حرج.

۴۶- یک کلمه در عکس محوشده است.

۴۷- اصل: گاه کل.

هیجدهم جمعی از اهالی شهر اطراف دیوانخانه را غلبه و محاصره نموده رؤسا و خوانین در تلگرافخانه رفته تماماً رأی دادند خلاف از طرف رئیس نظمیه شده است. از روی بدنه شهر دو تیر تفنگ به رئیس نظمیه می‌زنند. تیر به خطر رفته خود را در اطاق حاج فخر الملک می‌اندازد. ضمناً چهل نفر دموکراتی قسم یاد کرده رئیس نظمیه را بکشند. شب بیست و یکم غفلتاً به اداره نظمیه رفته، در عوض رئیس دو نفر قراولی را می‌زنند. یک نفر سرباز قراول که فوت شد، یک نفر معاون نظمیه بود مجروح و مشغول معالجه می‌باشند.

نمره ۸

۴ ماه مرج ۱۹۱۸

درباب ورود

دوروز قبل لاورف کمیسر سابق گنبد قابوس از روسیه مراجعت کرده وارد به فونسلخانه به مأموریت سابقه برقرار شده‌اند.

درباب عزل کارگذار

هفته گذشته مذاکره معزولی محقق الملک کارگذار استرآباد می‌شود. مشارالیه چون خود را به فرقه دموکرات پیوسته لهذا جمعی از تجار و خوانین را احضار کرده از ایشان خواهش و تمنا می‌نماید تلگرافی به وزیر امور خارجه برای ابقاء مشارالیه مخابره می‌نمایند. تاکنون جوابی نرسیده است.

درباب چپاول

بیست و دویم فرواری چهارنفر رعیت ساعد السلطنه به شهر آمدند، نیم فرسخی مشرقی دو نفر ترکمان به اتفاق دو نفر رعیت کماسی رعیت حاج زکریا ۲۸ مالهای رعیت ساعد السلطنه را با اسباب متفرقه و جزئی برنج به غارت بردند. متعلق به حاج زکریا بوده لهذا مالها را مسترد می‌نمایند.

درباب اسیر

روز بیست و سیم تراکمه طایفه‌داز دو نفر رعیت شمس آباد متعلق به حاجی محمد تقی را که به جنگل برای همیشه رفته بودند اسیر کرده به اترک بردند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید چهار پنج نفر رعیت بالاجاده چهار فرسخی مغربی به شهر آمده به قرب

هفتصد تومان لباس عروسی خریده می‌رفتند. بین راه تراکمه جعفر بای برخورد اجناس و مالهارا بالباس ایشان غارت کرده بردند.

درباب خبر

در این مدت که اهالی استرآباد يك فرقه برضد حکومت تلگرافات کرده، فرقه دیگر به ابقاء حکومت تلگراف می‌نمایند، وزارت داخله تلگرافی به حکومت و رئیس نظمی می‌نمایند که مشغول به رسیدگی امورات سرحدی باشید. حاج فخرالملک چون استعدادی در استرآباد ندارد برای محافظت شخصی بارئیس نظمی لواء الدوله دیوانخانه نزد خود نگاه داشته باجزئی سواروسرباز بسطامی مستحفظ بوده باشند، مبدا دموکراتیها به دیوانخانه رفته آسیبی به ایشان برسانند. چگونه این شخص می‌تواند سرحد استرآباد را منظم نماید.

درباب چپاول

بیست و پنجم فرواری خبر رسید تراکمه جعفر بائی گوسفندهای هزارجریبی در قراسو تعلیف^{۴۹} می‌کردند به قرب دوهزار گوسفند را چاپیده بردند. دوفتر چوپان را به قتل رسانیده و گوسفند سردار رفیع راشبانه فرار داده به شهر آوردند.

درباب چپاول

بیست و هفتم ماه مذکور خبر رسید تراکمه دویچی نه بلوک گوسفند فندرسک با یکصد رأس گاوکتول را چپاول کرده، سه نفر چوپان را به قتل می‌رسانند.

درباب سردار رفیع

چندی قبل که برای استرداد تفنگ تلگرافی به رئیس قشون گردیده بود اوضاع استرآباد را از ناحیه مشارالیه تصور نموده وزارت داخله حکم می‌نماید فوراً از شهر خارج شود. حسب الامر وزیر داخله سردار رفیع به قریه کفشگیری دوفرسخی مغربی می‌روند.

درباب فوت نویدالممالک

بیست و هشتم ماه مذکور محمدمهدی خان نویدالممالک رئیس تلگرافخانه استرآباد و خط مازندران برای رسیدگی امورات شخصی بندر جز می‌روند. چون مرض تنگی سینه داشته لدی‌الوروده^{۵۰} به فاصله دوساعت مرض توجه به قلب کرده فوت شدند.

۴۹- اصل: تألیف.

۵۰- اصل: لدالورود.

درباب قراسو

تراکمه جعفر بائی چند رأس گاوهای روسها [راکه] در قراسو بوده با چند قبضه تفنگ می‌برند. قونسول روس به اتفاق لاورف رئیس کمیسیون و نایب خود بامعاون و مترجم و دونفر غلام به قراسو رفته گاوها را از تراکمه پس گرفته، پراخوت جنگی مستحفظ دریا [را] که در شوراده بوده به قراسو آورده آنجا را محافظت می‌نمایند. لکن از بابت قراسو خیلی متوحش هستند. چند اهالی کردمحل را موجب داده قراول می‌باشند. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل بی‌ماخذ

ایضاً خبر رسید به تحریک دموکرات در بندر جز قبر نام اصفهانی را چون طرفدار حکومت بوده مقتول [کرده] بعد از چند روزی معلوم شد خبر بی‌اصل است.

درباب اغتشاش در میان دره

سه فرسخ و نیم مغربی استرآباد قریه مذکور واقع است. دودانگ ونیم آن وقف است به طایفه حلال که خوربها که در بار فروش متولی آن ابوتراب خان سرتیپ خوجه‌وند است. نودخروار عایدی دودانگ ونیم است که سابقاً در اجاره مسعود السلطان بوده، امساله آقارمضانعلی وکیل التجار اجاره کرده است. تاکنون منازعه و مشاجره بین ایشان بوده، اینک بنای زدو خورد ۵۲ است. ملازمان مسعود السلطان رعیت میان دره را چوب می‌زنند. ایشان هفت نفر ملازم مسعود السلطان را به دست آورده لخت و تفنگ آنها را می‌برند. حجت ملازم سردار رفیع را به انضمام سیصد تومان وجه نقد از هزار جریب مراجعت کرده به کفشگیری می‌آمد بی‌جهت رعیت میان دره گماشته وکیل التجار او را تفنگ زده پول و تفنگ او را بردند که مشرف به موت است. مسعود السلطان جمعی از ملازمان سردار رفیع و یک عده از رعیت را جمع کرده به قریه میان دره صدمه وارد نمایند. به گفته وکیل التجار دو بیست نفر تفنگچی از کردمحل به کمک میان دره آمده طرفین برای جنگ مستعد می‌باشند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۹

۱۱ ماه مرج ۱۹۱۸ ۵۴

درباب احضار قزاقها برای قونسلخانه

کالنیکف قونسول استرآباد برای امنیت خود و اجزاء و اتباع روس پانزده نفر قزاق

۵۱- اصل: هلال.

۵۲- اصل: خوردن.

۵۴- در اصل: ۱۹۱۹ نوشته شده.

ایرانی از بارفروش خواسته به اجازه دولت مأمور شده بندر جز آمدند. پنجم ماه مرچ قزاقها از بندر حرکت نموده به شهر می آمدند. تردیکی قریه میان دره که چند روز قبل باتفنگچی کردمحل به اطمینان آقا رمضانعلی بسخو داشتند به قزاقها شلیک تفنگ می نمایند. سه نفر قزاق تیرافتاده مجروح شدند. دو رأس اسب، يك قبضه تفنگ پنج تیره، دو یست تومان وجه نقد و اجناس که همراه قزاقها بوده اهالی میان دره به غارت بردند. سردار رفیع مخبر شده قزاقها را بازخمیها به قریه کفشگیری برده پذیرائی می نمایند. ششم ماه مذکور سه نفر غلام قونسول برای محافظت راه نیم فرسخی استقبال قزاقها رفته ایشان را به قونسلخانه وارد نمودند.

درباب گماشته امیر اعظم

چندی است به اغواء سالار اشرف سایر خوانین و غیره امیر اعظم را به حکومت می خواهند. نواب والابه شریف السلطنه نایب الحکومه خود را به عنوان خریدن اسب به استرآباد فرستاده، خوانین مذاکرات سری می نمایند. در موقع بلوای باحاج فخر الملک خوانین و تجار تلگرافی به وزارت داخله نموده استدعا می نمایند که امیر اعظم حاکم باشد. لکن نتیجه به عکس بخشیده. وزارت داخله در جواب حاج فخر الملک و استعفای معظم الیه تلگرافاً و کتباً نوشته بودند استعفای شما پذیرفته نیست. مشغول انتظام سرحدی بوده باشید. معظم الیه منتظر ورود يك عده ژاندارم می باشند.

درباب آقا کوچک خان جنگلی

يك نفر نماینده از طرف مشارالیه به گموش تپه آمده از آنجا وارد به شهر [شده] عقیده ایشان اهالی استرآباد و خوانین رضایت نامه نوشته شود که از طرف آقا کوچک خان شخصی به حکومت استرآباد فرستاده شود. در صورتیکه دوسه نفر خوانین استرآباد خود را از آقا کوچک خان محترم تر شناخته، فریفته حرف او نخواهند شد. نماینده مشارالیه مراجعت به گموش تپه نمودند.

درباب چپاول

هفتم ماه مرچ پنج رأس قاطر شاهکوهی روغن با گندم حمل به شهر می نمودند. تراکمه اتابائی در خیرات دو فرسخی مشرقی بسخو داشته يك نفر مکاری را به قتل رسانیده قاطرها را بآب بارها به غارت می برند. تاچه شود.

درباب سرقت

شب هشتم ماه مذکور دزد طایفه ترکمان به شهر آمده يك باب خانه را در محله میدان شکافته يك رأس یابوی آخوند ملاعلی اکبر سعدآبادی [را] می برند. يك دسته دزد محلّه میخچه گران خانه را شکافته بیست و هفت تومان اثاث البیت را بردند.

درباب چپاول

هشتم ماه چهارنفر ترکمان جعفربائی چهارتخته گلیم با یک قالیچه با شتر حمل به شهر نموده بفروشد رعیت سدن رستاق تراکمه را لخت کرده یک نفر را با کاردمجروح [کرده] اجناس را می برند.

درباب چپاول

نهم ماه مرچ تراکمه داز یک بلوک گوسفند از قریه اکبرآباد، یک بلوک از پیچاک محله رعیت خالصه را چاپیده بردند.

درباب چپاول

ایضاً برای حراست راه شاهرود اعضای کمیته دموکراتی ابوالقاسم خان نایب کلانتر رافرستاده دهنه قزلق و خیرات از اهالی دهات فراول بگذارد. قبل از ورود مشارالیه تراکمه اتابائی یک دسته مکاری را لخت کرده و بسخو داشتند. کلانتر مزبور به آنجا رسیده او را هم لخت [کرده] دو رأس مال کلانتر را باهشت مال دیگر ضمیمه نموده بردند.

درباب سرقت

شب دهم ماه مذکور سه نفر ترکمان از کاروانسرای حاجی محمد مهدی یک رأس شتر و سه رأس الاغ به سرقت برده، یک نفر ترکمان دستگیر می شود.

درباب حرفهای معترضه استرآبادی

دو هفته قبل روزنامه ها درج نمودند قونسول انگلیس در کرمانشاه، سلیمان میرزا با سه نفر دیگر را مغلولا با «بالان» ۵۳ بغداد فرستاده اند. در هر محفل و مجلسی دموکراتیها بر علیه دولت فخریه حرفهای خشن و مزخرف نسبت می دهند، اشرار را سپرده اند نسبت به وکالت استرآباد و اتباع توهین و بی احترامی نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمر ۱۰۵

۲۱ ماه مرچ ۱۹۱۸

درباب چپاول

دوازدهم ماه مرچ خبر رسید تراکمه جعفربائی دو بلوک گوسفند [را] از قریه ورسن و لمسک یک فرسخی مغربی چپاول کرده، یک نفر چوپان را هم به قتل می رسانند.

درباب قتل

۱۳ ماه مذکور میرزا جواد مشهور به اعتمادالتجار در بندر جز علاقه داشته، به اتهام فرقه بهائی تیرزده مقتول [شده] و قاتل نامعلوم است.

درباب مفتش تحدید

میرزا محمودخان از طرف گمرک مأمور و مفتش اداره تحدید استرآباد و گنبد قابوس بوده سربازهای عرب و عجم که در ارگ دولتی منزل دارند جزئی تریاک بی باندرول داشته، مشارالیه بایک نفر آدم داخل سربازخانه شده تریاک را از منزل اخذ می نمایند. سربازها میرزا محمودخان مفتش را چوب مفصلی می زنند که او را دوش کشیده به منزلش بردند.

درباب ژاندارم

از شاهرود برای حرکت ژاندارم توسط حاج فخرالملک هزارتومان از مالیه استرآباد خواستند. فوراً حواله تلگرافی دادند.

درباب سرقت

شب ۱۶ مرچ تراکمه اثابائی در محله میدان خانه میرزا عبدالحسین هر وی مقداری ده من و یکصد تومان اجناس و لباس سرقت کرده بردند. بعد از تحقیقات نظمی به تحریک بنگشیهای ۵۵ تبعه انگلیس بود و سارقین هم دستگیر [شده] اقرار هم کرده، چندی در حبس بوده مرخص شدند.

درباب تحدید

یازده من تریاک بی باندرول قاچاقی از شاهرود حمل شده بود. مفتش مخبر شده به توسط میرزا کریم خان رئیس [دستگیر] شده و تریاک را از دوفرسخی آوردند.

درباب چپاول

بیستم ماه مذکور خبر رسید کلیچ خان طایفه داز یاغی شده است. یک بلوک گوسفند از قریه برفتن کتول چاپیده، یک نفر را مقتول [ساخته]، مجدداً برای چپاول دهات ساعدالسلطنه سوار خبر کرده. معظمالیه به قرب یکصد نفر تفنگچی همراه برداشته دوشب در چنار قشلاق توقف و جلوگیری از سوارهای یاغی نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربای زیرحد اشرف بالتکا چهارصد رأس گوسفند رعیت

لمراسی ۵۶ را چپاول کرده از دریا به گموش تپه آوردند.

نمره ۱۱۵

غره ماه اپریل ۱۹۱۸

درباب تراکمه جعفربای

به عرض رسانیده بود آقا کوچک خان جنگلی يك نفر نماینده به استرآباد فرستاده با خوانین و تجار مذاکراتی و عقد اتحاد بسته، به جعفربائی رفته با ترکمانها قراردادی می‌نماید. ده نفر تراکمه ساکن گموش تپه و خوجه نفس به عنوان خرید برنج به گیلان رفته شرارت تراکمه از ناحیه جنگلی می‌باشد.

درباب نزاع بارفروش

بیست و چهارم ماه مرج خبر رسید يك عده ژاندارم در بارفروش برای گرفتن تفنگ با مهدیقلی سلطان لاریجانی طرف گردیده چندی است تراع می‌نمایند. ژاندارم بعد از ختم جنگ مأمور استرآباد خواهند بود.

درباب انهدام تلگراف روسها

بیست و پنجم ماه مذکور خبر رسید به تحریک استرآبادیها، تراکمه از زیر حدخاک اترک سیم تلگراف را برچیده، الی يك فرسخی شمالی شهر که بقیه اهالی شهر ودهات تیرها و سیم را بریده بردند و ضمناً تلگراف بی‌سیم را برداشته، اجزاء آن عزیمت به روسیه نمودند.

درباب شیخ باقر فاضل

مشارالیه اراضی شیرنگ شش فرسخی مشرقی که جزو بلوک کتول محسوب است تصرفات فوق العاده به قوه مجریه روسها داشته و چند قریه جدید ساخته لجاج زیادی می‌نمایند. بعد از رفتن روسها تراکمه در مقام تقاضای برآمده قریه شیرنگ و نیرکان را چاپیده رعیت متواری شده‌اند. فاضل آباد که قریه شخصی معظم‌الیه بود به فون صمصام آلمانی اجاره داده بودند، به تحریک امیرامجد فون صمصام قریه مذکور را از شیخ فاضل مجزا دانسته جزو بلوک کتول محسوب می‌دارد. شب بیست و هشتم ماه مرج سیصد نفر سوار و پیاده ترکمان ایلغی و داز و دو بیچی به فاضل آباد یورش آورده جنگ سختی می‌شود. يك نفر ترکمان مقتول و يك نفر مجروح [می‌شود]. تراکمه دوزن بایک مرد اسیر کرده چند باب خانه را آتش زده و اموال رعیت را هم به غارت بردند.

درباب چپاول

بیست و هفتم ماه مذکور سوار طایفه داز یک بلوک گوسفند از قریه میر محله سه فرسخی مشرقی که متعلق است به حاجی امین الضرب چپاول کرده بردند. مطالبه پنجاه خروار شلتوک ساخلوئی را از آقارمضانعلی که مستاجر بوده تراکمه می نمایند.

درباب ورود ژاندارم

روز مذکور اهالی شهر برای ورود یک عده ژاندارم عموماً بیرون دروازه رفتند خوانین و تجار یک فرسخ استقبال کرده، دو ساعت به غروب هفتاد نفر سوار، سی و پنج نفر ژاندارم به ریاست مازور ابوالفتح خان یاور به احترام فوق العاده وارد گردیده. اهالی شهر به صدای بلند زنده باد فرقه دموکرات [می گویند]. لکن ژاندارمها می گفتند زنده باد احمدشاه قاجار. در باغ عباس خانی محل اقامت قزاقهای روسی بود منزل کردند و در عراده توپ اطریشی همراه داشته، بعد از ورود شلیک نمودند.

درباب گرفتن اسلحه از قونسول

بیست و نهم ماه مرچ مازور ابوالفتح خان یاور به توسط کار گزار پانصد قبضه تفنگ بادو عراده توپ از قونسول استرآباد مطالبه می نماید. قونسول جواب داده نمایند که کارگذاری حاضر شده هر قدر تفنگ باشد تسلیم می شود. معاون کارگذاری به قونسولخانه رفته بیست و پنج قبضه تفنگ مستعمل و شکسته تسلیم کرده به اداره قشونسی استرآباد می دهند لکن روسها محرمانه دومه قبل از تفنگهای محمدعلی میرزا را به تراکمه خیلی فروختند.

درباب رفتن روسها

سی ام ماه مذکور چند نفر صاحب منصب عقب افتاده که بکلی از دولت روس مایوس شده، اعلان برای خراج ۵۷ اسباب می دهند قدری نارنجک به اداره ژاندارم فروختند اسبابهای خود را خراج کرده به قیمت خیلی نازل فروخته به سمت قراسومی روند. تراکمه جعفریائی خبردار شده سر راه به ایشان گرفته تماماً را لخت و عریان به قراسو روانه نمودند. تا چه اقتضا کند.

درباب جنگلیها

ایضاً آقا کوچک باخوانین مازندران اتحاد نموده، محمدباقرخان سردار رفیع را احضار کرده عازم است. باخوانین استرآباد هم ارسال مرسول دارند. در هر مجلس و انجمنی زنده باد برادران جنگلی مامی گویند و خیالات بلندی به سر جنگلیها می باشد. از قرار مذاکرات افواهی آقا کوچک خان پاترده هزار نفر قشون تهیه نموده است. مجدداً

خبر رسید نواب عضدالسلطان حکومت مازندران است دربار فروش توقف کرده و سی هزار تومان جرم گرفته، عقیده مشارالیه لازم توضیح نیست و سی هزار تومان جرم گرفته فقط چاپیدن است و اخذ پول مقصود خدمت برای دولت، ملت نخواهد بود.

نمره ۱۲۵

۱۵ آپریل ۱۹۱۸

درباب مازندران

به تبعیت آقا کوچک خان فرقه اتحاد اسلام عموماً خوانین مازندران و تجار و علماء تصویب نمودند که سردار جلیل را حکومت نموده دوایر دولتی را تماماً خارج بنمایند و حالیه سردار جلیل لطفعلی خان کلبادی مشغول به رسیدگی امورات ساری می باشند.

درباب مالقانها

بیست نفر از مالقانهای تبعه روس که در گوگ تپه زبرحد نیرکان و یورت طایفه دازقریه و آبادانی کرده بودند، اراضی آنجا را نود ساله از شیخ محمدباقر فاضل اجاره داشتند که سالی سه هزار تومان به مشارالیه بدهند. چهارم ماه اپریل خبر رسید به قرب سیصد نفر پیاده و سواره ترکمانهای داز و قرقچی به سر آنها هجوم آورده، مالقانها بازن و بچه فرار کرده در فاضل آباد می روند و آنچه مواشی و زندگانی داشته همراه خود برده، بقیه اثاث البیت و بناهای ساخته را تراکمه به فاصله سه ساعت خراب کرده همه را به یغما بردند. بربریهائی که از خاک روس به گفته زیطون کلیمی آمده در صحرای یموت شش فرسخی مشرقی ساکن شده و مشغول کشت و زرع بوده شب و روز از ترس تراکمه خواب نداشتند، چند نفر بربری را به قتل رسانیده، بربریها از ترس آنچه زراعت از قبیل جو و گندم و ارزن و غیره و غیره در آنجا داشته و زرع نموده بودند دست برداشته به فاضل آباد می آیند. مالقانها تمام مواشی خود و عرابه ها که داشتند به شهر آورده مشغول حراج اسباب و مواشی و گاری می باشند که عزیمت به روسیه نمایند. تاجه شود.

درباب کموسرین روس

ششم ماه مذکور خبر رسید لاورف رئیس کمیسیون به اتفاق کموسر سابق با چهار عراده اسباب و لوازمات خود با چند نفر تجار گموش تپه که در گنبد قابوس دکان داشته حرکت به سمت قراسو می نمایند. در سنگرسواد پنج فرسخی گنبد برای صرف ناهار ساعتی توقف می نمایند. تراکمه قرقچی مخبر شده تعاقب ایشان می روند. دو فرسخی آق قلعه مشهور است به آق ویشی تصادف می نمایند. نزاع سختی می شود. چهار نفر جعفر بائی به حمایت کموسرین استقامت کرده، دو نفر از تراکمه قرقچی مجروح [شده] سوارهای

ایلیفی به کمک می‌روند. روسها از ترس عرابه با اسباب که دواجات زیادی هم بوده به انضمام دوربین و ملبوس و غیره تماماً را گذارده بامال فرار کردند. ورود به خساك جعفربائی چهارنفر ابجلی جاوگیری می‌نمایند. دوهزار منات به آنها انعام داده خود را به قراسو می‌رسانند. از گنبد قابوس روسها بکلی رفته‌اند و تراکمه هم خرابی بناهای گنبد قابوس را دارند. اعتصام الممالک کارگذار آنجا هم اسبابهای شخصی حمل به شهر نموده بر حسب سفارشی که از طرف کارگذاری استرآباد به اعتصام الممالک گردیده برای محافظت دوعراده توپ و تفنگهای محمدعلی میرزا را که روسها در گنبد ضبط داشتند توقف داشته تراکمه غارت می‌کنند. تاجه اقتضا کنند.

درباب معزولی

هفتم ماه اپریل مقارن غروب وزارت داخله تلگرافی به حاج فخرالملک نموده که شما به طهران تشریف بیاورید. ایضاً حکمران استرآباد میرزا عبدالحمیدخان کاشانی سردار مقتدر تلگرافی به عموم علما و تلگرافی هم به ساعدالسلطنه نموده امورات ولایتی را عاجالتاً به مشارالیه واگذار کرده، به موجب حکم تلگرافی ساعدالسلطنه مال کرایه کرده حراج فخرالملک را از راه شاهرود فرستاده وزمام حکومتی را از روی مهارت به دست گرفته، با کمال مراقبت و بصارت امورات مهمه ولایتی منظم اموال غارت شده را جمع کرده به صاحبش مسترد [داشته] اشرار را چوب مفصل زده که ابداً توی شهر و اطراف کسی مرتکب افعال بد نشده. چندروز است امنیت در شهر و بیرون حاصل شده است.

درباب لخت کردن سردار رفیع

به عرض رسانیده بود کمیته اتحاد اسلام معزی‌الیه را احضار به مازندران می‌نمایند. روز هشتم به اتفاق یازده سوار شخصی از راه قریه چهارده چهار فرسخی مغربی به سمت قراسو می‌روند. زیرحد قریه چهارده در این فصل آب زیادی جمع می‌شود. با اسب توی آب فرو می‌رود. ملازمان او را بیرون آورده لباس را عوض کرده دوباره از آب بیرون می‌روند. قبل از وقت تراکمه جعفربائی طایفه یارعلی مخبر شده پنجاه نفر پیاده بسخو داشته خارج شدن از آب تراکمه ایشان را محاصره می‌نمایند. سردار رفیع را بایازده سوار ملازم خلع سلاح و تماماً را لخت کرده، اسب و تفنگها را گرفته معادل هزار و چهارصد تومان وجه نقد و ساعت طلا و «مدایون» سردار را گرفته پیاده به قراسو می‌روند. روز دیگر با لتکا بندر جز رفته تفصیل را تلگرافاً به ساعدالسلطنه نایب‌الحکومه اخبار داده [که] شش هزار تومان اموال من را تراکمه برده‌اند. چند نفر رؤسای جعفربائی خدمت نایب‌الحکومه بوده قدغن سخت به آنها نموده [اموال] سردار رفیع را عاجلاً جمع‌آوری نموده بیاورند. ترکمانها پیغام داده‌اند اولاً سردار رفیع دو بیست رأس مال جعفربائی را به سرقت برده و پاترده هزار تومان اموال غارت شده مارا از قشون روسی گرفته دیناری مسترد نکرده است. در هر صورت ساعدالسلطنه برای استرداد اسب

و تفنگ سردار رفیع کمال جدیت و همراهی داشته و دارند. تاچه اقتضا کند.

درباب جنگلیها

نهم ماه اپریل از بندر جز تلگرافاً به ساعدالسلطنه خبر دادند از طرف سردار جلیل حکومت موقتی ساری يك نفر نماینده در بندر جز وارد شده مؤاخذه قتل میرزا جواد اعتمادالتجار را می نمایند. ساعدالسلطنه جواب داده نماینده مزبور را بیرون بنمائید. بندر جز جزو حکومت استرآباد است ربطی بهمازندان ندارد و شخصاً هم به سردار جلیل تلگراف کرده است، شما حق دخالت بهامورات و خاک استرآباد ندارید.

درباب قونسول

دهم ماه مذکور قونسول روس به عنوان تبریک منزل ساعدالسلطنه رفته و ضمناً امنیت طلب کرده است. لاکن بعضی اسباب فوق العاده دولتی را با اسبابهای شخصی که با خود آورده بودند در منزل میرزا علی اکبرخان حراج کرده است و منتشر است قونسول خیال رفتن و عزیمت به روسیه را دارد. چون دو ماه است حقوق برای ایشان و اجزاء نمی رسد و اجزاء قونسلخانه تماماً پریشان شده اند.

درباب بادکوبه

سیزده ماه اپریل از بندر جز خبر رسید فرقه بالشویکهای روسی بادکوبه را توپ بسته و خرابی فوق العاده نموده اند. پانزده هزار نفوس زیر هوار ۵۸ مانده و عده تلفات نامعلوم است. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۳

۲۵ اپریل ۱۹۱۸

درباب بندر جز

بعد از قتل اعتمادالتجار چند نفر از اشرار کردمحل به اغواء سیدی می روند بندر که قاتل را دستگیر نمایند. پانصد تومان اهالی بلد را می چاپند. از طرف اداره قشونی مسعود لشکر سرهنگ سواره گوداری برای رسیدگی مأمور بندر جز می شوند. اهالی کردمحل را متفرق ساخته وقت را شخصاً غنیمت شمرده یکصد و پنجاه تومان وجه نقد از صغار مرحوم اعتمادالتجار گرفته قاتل [را] دستگیر نماید. دویست تومان هم از کسانی که سوءظن برده می گیرند. مراجعت به شهر نموده، گرفتن وجه از صغار مقتول را به وزارت داخله راپرت می دهند. وزیر داخله حکم خطابی به ساعدالسلطنه نوشته یکصد و

پنجاه تومان پول صفار را از مسعود لشکر گرفته به صاحبش برسانید.

درباب جنگلیها

هیجدهم ماه اپریل خبر رسید چند نفر ترکمان جعفر بائی که به جنگل خدمت آقا کوچک خان رفته بودند دستور العمل به آنها داده، پنج هزار پوط برنج ترکمانها خریداری کرده به اتفاق دو نفر نمایندگان جنگل وارد گموش تپه شده اند. قضات جعفر بائی را احضار نموده به عنوان آمدن محمد علی میرزا مردم را دعوت می نمایند. لکن عقیده جنگلیها به تحریک دولت عثمانی و آلمان خیال جمع کردن سوار ترکمان و ملتی است که انعقاد اردوئی نموده جلو گیری از قشون دولت انگلیس می نمایند. ایضاً خبر رسید سردار فاتح با هزار سوار به مشهد سر آمده که در مازندران انعقاد اردوئی بشود. زمان محمد علی میرزا همین سردار فاتح بایک عده سواره برق به ساری آمده بودند. چند نفر از محترمین را به دار کشیده بودند. در این موقع خوانین مازندران آمدن او را به ساری صلاح ندانسته از عقیده اش منصرف [کرده] مراجعت به جنگل نمودند.

درباب نزاع تراکمه

طایفه قرقچی اکثر در اترک منزل دارند. مدتی است به تجار گنبد قابوس از ترکمان و استرابادی خسارت فوق العاده وارد کرده چند عرابه مال التجاره را به غارت بردند. تراکمه جعفر بائی به ریاست افغان قاضی به طایفه قجق وقان یخمز نوشته اند سوار زیادی از دو طرف حرکت به سمت سنگرسواد نموده که طایفه قرقچی را بچاپند. یاغیها استقامت نکرده فراراً به سمت قزل ارواد و کتیک چای رفتند.

درباب روسها

چندی قبل به توسط لاورف تفنگهای محمد علی میرزا [را] که در گنبد قابوس ضبط روسها بود رؤسای ایلات را احضار کرده هر یکی را علیحده تفنگ و فشنگ داده محرك شده است که ولایت را بچاپند که بین راه طایفه قرقچی مشارالیه را چاپیده، خواست از قراسو به روسیه بروند خبر بلشویکها را شنیده از ترس به استراباد آمده يك شب قونسلخانه توقف، مراجعت به گنبد قابوس نمودند.

درباب خالصه

از طرف وزارت مالیه یمن الملك بدریاست کل خالصه جات استراباد وارد شده امیرخان مسیحی رئیس مالیه را به طهران احضار و اعلان مزایده اجاره املاك دولت را پیشنهاد نموده اجاره بدهند.

درباب حراج اسباب

الیوم که بیست و پنجم ماه اپریل است نایب قونسول روسی اسبابهای شخصی را

مقارن ظهر اعلان به حراج نموده است. در ضمن دوازده نفر قزاقهای ایرانی مستخدم قونسلخانه را برای نداشتن پول مرخص نموده بارفروش رفتند.

درباب آذوقه

ایضاً تمام کسبه دکاکین رابسته به دیوانخانه منتظم شدند که مثقالی ۵۹ برنج در بازار بیست. از طرف ساعدالسلطنه [به] نایبالحکومه امر شد اشخاصی که اجزاء کمیسیون ارزاق برای دادن برنج در بازار معین کرده بودند برنجهارا به زودی بدهند که در بازار به مصرف فروش رسانیده، فقراء از عسرت^{۶۰} بیرون بیایند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۴۵

۲۹ اپریل ۱۹۱۸

درباب تعیین نایبالحکومه

روز بیست و پنجم ماه اپریل حیدرخان رشیدالسلطان که سابقاً فراشبازی مرحوم امیراعظم بود از طرف سردار مقتدر به عنوان کفالت استرآباد حرکت کرده وارد دامغان می شود. تلگرافاً به ساعدالسلطنه خبر داده است چهار اسب سواری به شاهرود بفرستید. تا چه اقتضا کند.

درباب مخابره تلگرافی به ساری

خوانین مازندران که به فرقه اتحاد اسلام گرویده با خوانین استرآباد [در] تلگرافخانه حضور [یافته] سؤال و جواب می نمایند در اتحاد و برادری همه نوع حاضریم. بعد برای فرستادن سوار پیشنهاد کرده، جمعی مشتاقانه قبول کردند که اسامی آنها این است: نظرخان سالار اشرف - رمضانعلی وکیلالتجار - میرزامهدی مجتهد - حاج محمدرحیم تاجر. لکن مهدی خان ملک ساعدالسلطنه پیش بینی کرده تلگرافاً جواب می دهد چون آذوقه نیست برای تنگی معاش امروزه صلاح نیست جنگلی یا سوار دیگری به استرآباد بیایند. ایضاً از ساری اظهار داشتند شما خوانین و تجار حکومت نپذیرید و به خود راه ندهید. ایشان این مطلب را قبول کرده فوراً به رشیدالسلطان نایبالحکومه در شاهرود تلگراف می نمایند وجود شما با سردار مقتدر برای استرآباد ثمری نخواهد بخشید. بعد خوانین مازندران پیشنهاد کردند محمد باقرخان سردار رفیع را به حکومت احضار نمایند. چون جمعی رضایت نداشته جواب دادند دو روز دیگر جواب قاطع در این باب داده خواهد شد.

۵۹- اصل: مثقالی.

۶۰- اصل: عسرت.

درباب تراکمه

دو نفر نماینده آقا کوچک خان در جعفربائی مشغول جمع کردن آذوقه می باشند و چند نفر ترکمان را به گوکلان فرستاده سوار تهیه نمایند. لکن تراکمه مردمان ابن الوقت هستند، خصوصاً هذه السنه که عموماً گرسنه [بوده] و علف را جوشانیده می خورند، لابداً برای مخارج یومیه هم باشد حاضر خواهند شد. کلیه طوایف یموت شکم پرست و طماع می باشند بی اندازه.

درباب انجمن

بیست و هشتم ماه مذکور در منزل سالار اشرف عموم خوانین و تجار و مجتهدین که خود [را] به فرقه اتحاد اسلام مازندران یکی نموده اند انجمن کرده اظهار داشتند اولاً سیصدبار برنج برای اهالی شهر تهیه نمایند، روزی نه بار برنج در بازار به مصرف فروش رسانیده، باری بیست و چهار تومان خریده تسعیر نموده باری بیست تومان بفروشند. خسارت قیمت و تفاوت برنج را از مردمان باثروت دریافت نمایند. بعد را مذاکره برای ورود جنگلیها بنمایند. هر کسی به اندازه تفکر خود رأی می دهد. رمضانعلی و کیلالتجار و سالار اشرف، آقامیرزا مهدی مجتهد و حاج محمد رحیم ضدیت خود را نسبت به دولت بریطانیای کبیر علنی و اظهار داشته حکماً با جنگلیها باید معیت نموده به استرآباد بیایند. چهل نفر آلمانی و عثمانی فرمانده قشون آقا کوچک خان است. پول و تفنگ هر قدر بخواهیم می دهند. عاجلاً لازم است تهیه قشونی در استرآباد نموده به متابعت آلمان و عثمانی از راه خراسان به سمت هندوستان رفته هندوستان را در تصرف آلمانها بدهیم و کلیه انگلیسها را از ایران بیرون نمائیم. ساعدالسلطنه نایب الحکومه... * جواب داده این اعتراضات را به دولت انگلیس امروزه برای دولت ایران خطرناک است. خصوصاً استرآباد که مدتی در فشار دولت روس بوده و حالیه می خواهند مارا دچار يك شیر فر خونخوار نمائید. چهار نفر مذکور متهورانه جواب دادند هر کسی از دولت انگلیس واهمه دارد از اتحاد اسلام خارج شده ماها تکلیف خود را بدانیم، والا با قوای دولت آلمان که تاکنون دنیارا مترزل ساخته ابدأ از دولت انگلیس واهمه نداریم. جاناً و مالاً با اتحاد اسلام کمک خواهیم کرد.

نمره ۱۵۵

۹ ماه می ۱۹۱۸

درباب گنبد قابوس

سلخ ماه اپریل ششصد نفر سوار طایفه جعفربائی با چند نفر رؤسا و دو نفر نماینده آقا کوچک خان به سمت گنبد قابوس می روند. از طایفه اتابائی و ایلغی و داز هم پانصد

* يك كلمه ناخوانا.

نفر حرکت کرده وارد گنبد قابوس می‌شوند. سوار جعفر بانی اطراف گنبد قابوس را محاصره نموده لاورف فرار نکند. به سبب بودن تراکمه اعتنائی به رؤسای خود نکرده داخل کمیسیون گردیده لاورف را حبس کرده، کمیسیون روس را بکلی چاپیده، حتی کمیسیون ایران را غارت کرده چند قبضه تفنگ قزاقها و کماشته اعتصام الممالک را می‌گیرند. بین سوار ترکمان برای زیاد و کم شدن اجناس و تفنگ و فشنگ نزاع می‌شود. دو نفر نماینده آقا کوچک خان را با قنذاق تفنگ نوازش می‌دهند. تعرضانه تمام سوار باتفنگهای غارتی و سه عراده توپ پیلومتر (؟) محمد علی میرزائی مراجعت می‌نمایند. تفنگ سیستم مختلف هزاروپانصد قبضه الحجه ترکمانها گردیده، دو نفر نمایندگان جنگل این اوضاع وحشیگری را مشاهده کرده و اهمه مستولی شده عزیمت بندر جز نمودند. بعد از دو روز تراکمه چاروا و دویچی و قرقچی برای چپاول به گنبد قابوس آمده، دویست نفر کسبه شهری و تراکمه گموش تپه که در آنجا مشغول کسب بوده محاصره می‌شوند و ابد آجای فرار ندارند و تراکمه یاغی راه عبور و مرور را بکلی مسدود کرده خمر به شهر رسیده اهالی بایک ازدحام وحشت آمیزی به دیوانخانه رفته آه و ناله زیادی نمودند. چند نفر رؤسای شهر رأی دادند يك عده ژاندارم با توپ از راه فندرسک به گنبد قابوس رفته به توسط مهدی خان ایلخانی و يك عده پیاده فندرسکی بروند و تراکمه یاغی را از گنبد قابوس متفرق نموده، پسر اعتصام الممالک رئیس کمیسیون را با اجزاء دیگر عودت به شهر بدهند.

درباب ورود نماینده جنگلیها

آقاسید عباس ولد مرحوم آقاسید محمد خاوری که از جمله روضه خوانهای مازندران است به اتفاق حسین خان خواهرزاده مرادخان ایلخی بان شاهی از طرف اتحاد اسلام مازندران چهارم ماه می‌وارد به منزل آقامیرزا مهدی مجتهد می‌شوند. اتحاد اسلامیان استرآباد برای استقبال ایشان در بازار جار کشیده، دکاکین را بسته، جمعی بیرون شهر رفته بودند.

درباب قتل

ششم ماه مذکور خبر رسید در خوجه نفس بین تراکمه نزاع گردیده يك نفر کسان دولت ویردی خان مقتول، سه نفر از همان طایفه را پسرهای دولت ویردی خان به قتل رسانیده فراراً به اتابائی آمدند. بعد از دوشب کسان مقتولین يك عده پیاده به اتابائی آمده در محلی که دولت ویردی خان و کسانش چاپیده بودند يك مرتبه شلیک تفنگ می‌شود، آسیبی به آنها نرسیده، زنهای طایفه اتابائی با چوب کسان مقتولین را از اوبه خود بیرون کرده و رفتند.

درباب ورود ژاندارم

هفتم ماه می يك عده ژاندارم که در مازندران بوده، هفتاد و پنج نفر پیاده وارد

استراباد و اکثر مریض می‌باشند.

درباب انجمن اتحادیه

روز هشتم رۇسا و خوانین و تجار را به منزل میرزا مهدی مجتهد احضار [کرده] دونفر نماینده مازندران نطق نمودند. اتحاد اسلام از جمله امورات لازمه و شرعیه است که خداوند واجب کرده، امروز چهل هزار تومان وجه باید تهیه نمود که سیصدسوار گرفته شود، خواه از بودجه مالیه، یا از بابت مالیات خالصه، یا اینکه تجار و خوانین از جیب فتوت خود وجه را فراهم نمایند. حضرات استرابادیهها جواب دادند امروزه باین پریشانی خلق و ضیق^{۶۱} معیشت ابدأ پول نیست و سوار هم نمی‌شود گرفت. حین مذاکرات اتحاد اسلامیان خبر دادند حیدرخان رشیدالسلطان کفیل سردار مقتدر مقارن غروب وارد به دیوانخانه و میهمان تحمیلی رئیس نظمی می‌شوند. چون برضد اتحاد اسلام يك عده دموکراتی با تلگراف کمپانی روسی به او اطمینان داده بودند که به استراباد بیایند روز دیگر نهم ماه می‌نمایندگان مازندران در منزل حاج محمدتقی تاجر انجمن کرده مذاکره برای تهیه سوار می‌باشند.

نمره ۱۶

۱۵ ماه می ۱۹۱۸

درباب گنبد قابوس

به عرض رفته بود به تصویب دونفر نماینده، تراکه جعفربائی باقضات و طوایف دیگر کمیسیون روس را چپاول کرده تقریباً يك ملیون فشنگ برزنکه باورندل بوده بعد از غارت کمیسیون و حبس لاورف، نظر قلیچ خان رئیس طایفه قان یخمز و طایفه قجق وارد شده که سوارهای جعفربائی و غیره برگشته بودند، خبر به طایفه قرقچی و چاروای ودویچی فرستاده، سواری چند به گنبد قابوس وارد گردیده به لجاجت طایفه جعفربائی که اعتنائی به نظر قلیچ خان کرده اند کسبه گنبد قابوس را از تراکه و غیره بکلی بچاپند یازدهم ماه می يك عده سوار جعفربائی مجدداً به اتفاق تراکه چاروای و اتابائی به استمداد بازارچیان گنبد قابوس می‌روند. بین سوارهای نظر قلیچ خان رئیس طایفه قان یخمز با جعفربائی نزاع سختی گردیده، يك نفر از قرقچیها مقتول، دونفر از چاروای و اتابائی مقتول شده، بازارچیان گنبد قابوس از ترس تمام اموال و مالالتجاره را از گنبد قابوس حمل می‌نمایند. قبل از وقت سی نفر ژاندارم به اتفاق میرزا هادی خان شجاع نظام بر حسب قرارداد هفته قبل به عنوان محافظت به گنبد قابوس وارد [شده] لکن بی نتیجه مانده،

عجالتاً اهالی گنبد قابوس متواری شده فقط يك قریه که لاورف زیر حد رامیان ساخته، چند نفر هم مالقانی در آنجا ساکن بوده [از] نظر قلیچخان حمایت می کنند.

درباب اظهار قونسول روس

چهاردهم ماه مذکور مسیو ایوانف قونسول سابق مقیم استرآباد اظهار می دارد که برای شرارت ترکمانها و چپاول تفنگ و فشنگ که به قرب دو کرور تومان است قشون روس در عشوراده وارد شده است و تراکمه را مجازات سخت خواهند کرد.

درباب اتحاد اسلامیان

پانزدهم ماه می دونفر نماینده مازندران عموم محترمین و مجتهدین و پیرمردان شهر را به تصویب تجار خبر کرده در منزل ساعدالسلطنه جلسه علنی مهیا کرده «اتحاد ملی جرجانی» را پیشنهاد می نمایند و قراردادند صبح ۱۶ عموماً تلگرافخانه رفته وزرای طهران را احضار و حضوراً عقاید خود را مذاکره کرده حکومت استرآباد را برای ساعدالسلطنه تمنی نمایند. هفتصدنفر سوار از استرآباد قرار شد عمأ قریب بگیرند. صاحب منصبان ژاندارم با ایشان معیت نمایند. شهر را نظامی کرده، امنیت به عهده ژاندارم است. ایضاً صاحب منصبان ژاندارم با تجارهای شهر [خبر] می دهند قشون آلمان وارد بادکوبه شده است. تاجچه اقتضا کند.

نمره ۱۷۵

۲۳ ماه می ۱۹۱۸

درباب عدلیه

حاج محسن خان رئیس عدلیه مازندران به ریاست عدلیه استرآباد وارد [شده] ۱۶ ماه می در محله درب نو افتتاح عدلیه را نمودند.

درباب روسها

سیصد نفر از بالشویکها با پراخوت به قرا سو آمده به ابوالفتح خان رئیس ژاندارم پرتست می نمایند تفنگها با فشنگ که تراکمه از کمیسیون گنبد قابوس چاپیده اند یا بگیرد با خودمان طایفه جعفربائی را «بمبارد» خواهیم کرد. لاورف رئیس کمیسیون را هر کجا باشد گرفته تسلیم نمایند. ابوالفتح خان با تلفون جواب داده که شما صبر کنید می فرستم. لاورف را گرفته تسلیم می کند و تراکمه جعفربائی را هم می گوئیم تفنگ با فشنگ آنچه به غارت برده اند مسترد نمایند. سی نفر ژاندارم يك عراده توپ از راه فسدسك برای آوردن لاورف می روند. ایضاً سی نفر ژاندارم، يك نفر صاحب منصب به گوش تپه فرستاده

به تراکمه مشفقانه اظهار نمایند خودتان تفنگها را جمع نموده تسلیم نمائید. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

هیجدهم ماه مذکور تراکمه جعفر بائی چهار رأس مال متعلق به سالار اشرف و حاج زکریا^{۶۲} و میرزاهاشم را از دوفرسخی شمالی شهر چپاول کرده بردند. لکن ظاهر آگرو نموده اند. چون يك رأس اسب ترکمان به سرقت رفته و حالیه اسب مسروقه ترکمان در فندرسک ید مهدی خان ایلخانی می باشد. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل خطای قلی خان کتولی

کتول و فندرسک در مواقع عروسی کردن رسم مخصوصی دارند. به رسومات تراکمه اشخاصی که دعوت عروسی می شوند زمان ورود در عروسی خانه، از بستگان باشد یا دوستان طرفین شلیک تفنگ و خوشحالی می نمایند. قلی خان کتولی پسر عموی امیرامجد را در فندرسک دعوت عروسی می نمایند. مشارالیه به اتفاق اکبرخان و سه نفر نوکر صبح نوزدهم ماه می به فندرسک می رود. ورود مشارالیه رعیت و غیره از توی اطاقها و حیاط^{۶۳} خانه شلیک تفنگ می نمایند. تیر خطا به سینه قلی خان وارد شده از اسب به زمین افتاد. عروسی مبطل به عزا گردید. امیرامجد در شهر برای آن مرحوم ختم گذارده، جمعی اهالی شهر برای قتل قلی خان که آدم کدخدانش و مصلح آمیزی بود آزرده خاطر می باشند.

درباب قتل

ایضاً يك رأس مال تراکمه دوگونچی را رعیت سالار اشرف به سرقت می برند. ترکمانها به علی آباد رفته مطالبه نمودند. مراجعت به قریه سلطان آباد آمد. زیر حد سلطان آباد احمد نام که برای خرید گوسفند به صحرا می رفت او را مقتول [کرده] شصت تومان وجه با مال او را برد.

درباب ژاندارم

اهالی استرآباد به ضدیت حاج فخرالملک از طهران تقاضای قشون نموده بودند. ابوالفتح یاور بایکصد نفر سواره و پیاده به مأموریت استرآباد آمدند. خوانین و تجار با ایشان طرح^{۶۴} دوستی انداخته به میل ایشان رفتار شود. ابوالفتح خان با عقیده آنها همراه نشده حالیه از آمدن ژاندارم به استرآباد عموماً پشیمان هستند. لکن به قرب بیست و پنج نفر از غربای استرآباد را به اداره برده هر يك را ماهی سه تومان و نیم حقوق [داده] و مخارج نهار و شام آنها را متحمل شده جزو ژاندارم محسوب هستند.

۶۲- اصل: ذکر یا.

۶۳- اصل: حیات.

۶۴- اصل: طرز.

درباب اتحاد اسلام مازندرانی

بیست و یکم ماه مذکور از طرف تجار عموم علمایان و کسبه را به منزل ساعد السلطنه دعوت کرده شریف العلماء نماینده طبرستان نطق می نماید که عموماً باید اتحاد نمائید و ساعد السلطنه را به ریاست «اتحاد اسلامی جرجانی» پیشنهاد کرده برای تبریک این اتحاد به انجمن دموکراتی رفته صرف چای و قهوه نموده، عقیده خودشان را برای هفته آتی گذارده، به اهالی شهر اظهار نمایند. تاجه شود.

نمر ۱۸۵

۳۰ ماه می ۱۹۱۸

درباب قتل

شب ۲۴ می تراکمه داز به قریه ترنگ تپه سه فرسخی مشرقی دزدی رفته یک نفر رعیت را مقتول [کرده] دو رأس گاو به سرقت بردند.

درباب چپاول

ایضاً روز مذکور محمدنام کرمی برای خرید گوسفند به طایفه اتابائی می رود. بین راه تراکمه جعفر بائی برخورده، هشت تومان وجه با تفنگ و فشنگ او را گرفته بردند.

درباب نزاع ژاندارم

بیست و پنجم دونفر ژاندارم در محله میدان پاکربلائی اکبر حمامی نزاع کرده، تفنگ ژاندارم را می گیرند. به اداره ژاندارم خبر رسید امر شد محله میدان را توپ ببندند. رؤسای محله اکبر نام را باپسرش که تقصیری نداشته به اداره ژاندارم برده امر به کشیدن دار می نمایند. اتحاد اسلامیان که خود را با ابوالفتح خان هم مسلک دانسته به اداره رفته خواهش نمودند دونفر را مرخص کرده و قراردادند من بعد توسط نمایند. اهالی شهر عموماً از حرکات ژاندارم وحشی منزجر شده قشون روس را ترجیح می دهند. چون عده ژاندارم در استرآباد رنجش اهالی را دانسته، عمداً حرکات متهورانه و ناشایسته و صدمه بی جهت به هر کسی باشد می رسانند. چند روز است که در انجمن اتحاد اسلام مذاکره برای تعدیات و بی حسابی و حرکات زشت ژاندارم می شود. تاجه نتیجه بدهد.

درباب چپاول

بیست و ششم ماه می از شاهکوی سفلی چهار بار آرد، یک بار نان پمپل به شهر می شود. نیم فرسخی مشرقی ترکمان اتابائی مکاری را گرفته به درخت بسته، بارها و قاطرهارا به غارت بردند.

درباب چپاول

ایضاً روز مذکور چهاربار شکر قرمز ازساری حمل به استرآباد بوده دوفرسخی مغربى تراکمه جعفرباثى بارهارا به غارت می برند.

درباب روسها

به عرض رسانیده بود، سیصدنفر بالشویک به قراسو آمده لاورف و چندخانوار مالقانی را که زیر حد رامیان ساکن بوده می خواهند. از طهران هم حکم رسیده بود مشارالیه را تسلیم بالشویکها نمایند. يك عده ژاندارم برای آوردن لاورف و مالقانها که رفته بودند، ایشان را با لوازمات زندگانی و اثاث البیت کلیه حمل باگاری، هفت عرابه توپ بیست و پنج تیره، شش گاری تفنگ و فشنگ وارد قونسلخانه نمودند. قونسول بعد از ورود ایشان رسماً مطالبه خسارت گنبد قابوس را از کفیل حکومت می نمایند. توسط ابوالفتح خان یاور ژاندارم جواب رسمی داده شد اسلحه مذکور کلیه متعلق به دولت ایران است. مقداری راتراکمه چپاول کرده و بقیه را از تفنگ و فشنگ و چهار عرابه توپ اطریشی و يك عرابه توپ شنیدل و غیره در تصرف خودتان می باشد. اسباب متعلق به لاورف و دولتی که در کمیسیون بود از ملبوس و دواجات آن هم گرفته خواهد شد. بیست و هفتم ماه می ابوالفتح خان به اتفاق ساعدالسلطنه و سالار اشرف مالقانها را که تبعه روس بوده بازن و بچه و لاورف رئیس کمیسیون راهمراه خود برداشته از راه کردمحله و ملاکیله به قراسو رفته در عشوراده تسلیم بالشویکها می نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب کمیسیون

ایضاً از وزارت خارجه امر شد اعتصام الممالک رئیس کمیسیون به گنبد قابوس بروند. بیست و هشتم ماه مذکور بایک ژاندارم از راه فندرسک رفتند. لکن با این اغتشاش ثمری از رفتن ایشان نخواهد بخشید.

درباب ترکمانها

دویست نفر سوار قرقچی از گرسنگی مجدداً به طایفه داز آمده ساکن شدند. همه روزه مشغول شرارت و چپاول قراه کتول می باشند.

نمره ۱۹۵

۶ ماه جون ۱۹۱۸

درباب سرقت پست

غره ماه جون خبر رسید پست فوق العاده شاهی که از راه بارکلاه و هزارجریبات

عازم بندر جز بوده است یکصد و هشتاد تومان وجه نقد داشته به غارت بردند.

درباب چپاول

ایضاً تراکمه شرارت را علناً به تحریک سر کرده ها و تجار می نمایند. همه روزه پیغام برای تراکمه داده می شود که سردار مقتدر از حکومت استرآباد استعفا نموده نایب الحکومه خود را احضار نماید. دویم ماه مذکور خبر رسید سوار جعفر بائی یکصد و پنجاه رأس گاو میش که متعلق رعایای کرد محله و قریه النگ و چهارده بوده چپاول می نمایند.

درباب چپاول

سیم ماه جون ایضاً سوار جعفر بائی دو فرسخی شمالی بسخو داشته، شش رأس اسب سوارهای بسطامی را باشش رأس مال متفرقه را چپاول کرده بردند.

درباب مازندران

ایضاً خبر رسید اسمعیل خان امیر موید که رئیس اتحاد اسلام طبرستان می باشند به واسطه ورود قشون دولت بریطانیا به قزوین متوحشانه هزار تومان وجه از تجار و غیره گرفته مشغول تهیه سوار است که جلوگیری از ورود قشون مذکور بدخاک مازندران می نمایند، لکن درباب اتحاد میرزا کوچک خان با اهالی طبرستان و استرآباد عقاید ایشان اتفاق ندارد. مخصوصاً اهالی استرآباد بعد از مراجعت دونفر نماینده طبرستان اکثریت از اتحاد با آنها را منصرف گردیده فقط چند نفری که از اوایل مشروطه برای پیشرفت و مقاصد شخصی مرجع هر کاری بوده [اند] حال هم علناً اظهارات طرفیت آمیز و آشوب طلبی راهم روزه انجمن کرده بر علیه دولت انگلیس مذاکراتی دارند. تا چه اقتضا کند.

درباب چپاول

پنجم ماه مذکور چند نفر پیاده ترکمان جعفر بائی در نیم فرسخی مغربی زیر حد قریه کلو بسخو نموده، هشت نفر رعیت که از شهر مراجعت می نمودند دستگیر کرده، هشتاد تومان وجه نقد و مالهای آنها را گرفته بردند.

درباب روسها

چند روز است قونسول روس برای امورات شخصی بادوایر دولتی سختگیری می نماید و می گویند چون دولت روس با آلمان صلح انفرادی نموده است صدمات وارده و انهدام روسیه را از ناحیه دولت بریطانیا دانسته، نظر به مقاصد و نقشه پطر کبیر به معیت آلمان هوای هندوستان را به سردارند. می گویند مأمورین روس که در ایران مقیم هستند برای انهدام روسیه و نرسیدن حقوق ساکت بوده، حال سفارت انگلیس مأمورین روسی را در ایران رسیدگی و همراهی در معاش می نمایند. مأمورین مذکور هم برای نزدیکی قشون دولت بریطانیا به منطقه شمالی که محل آسایش آنها باشد خوشحال و مفتخرند.